



## وضعیت عدالت در ایران بعد از انقلاب

به نظر می‌رسد وضعیت عدالت در ایران و پنداشت افراد از وجود آن تبدیل به امری مسئله‌ساز شده است. نظام سیاسی حاکم به اندازه کافی از موضوع «عدالت» هزینه کرده اما از نگاه مردم دستاورد آن در این زمینه چشمگیر نیست. از این رو اعتماد چندانی به تحقق آن از سوی ساختار سیاسی کنونی ندارند. این استدلال را می‌توان بر مبنای پژوهش‌های انجام‌شده، مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. بنابراین سؤال نوشتار حاضر این است که امروزه وضعیت عدالت و پنداشت ایرانیان از عدالت چگونه است؟ چه اثراتی بر جامعه دارد و راه‌های برون‌رفت از این وضعیت کدامند؟

### بیان مسئله

عدالت به عنوان یکی از ارزش‌های مهم انسانی اجتماعی از دیرباز ذهن فلاسفه، اندیشمندان، سیاست‌گذاران، حکمرانی و عامه مردم را به خود مشغول کرده است. عدالت و رفتار عادلانه به اندازه‌ای برای انسان‌ها اهمیت دارد که شاید نتوان کسی را در طول تاریخ یافت که مدعی باشد به گونه‌ای ناعادلانه رفتار و عمل کرده است. تعریف عدالت، شیوه‌های تحقق آن و تعیین مصادیق رفتار عادلانه نزد صاحب‌نظران محل مناقشه بوده است. به همان میزان که تعریف عدالت و تعیین مصادیق رفتار عادلانه مورد مناقشه بوده، نحوه اجرای عدالت و وجود آن در جامعه نیز مورد بحث بوده و با وجود اینکه تحقق عدالت، حداقل در دنیای امروزی، خواست اکثریت مردم است، اما برداشت‌های یکسانی پیرامون معنا و شیوه اجرای آن وجود ندارد.

عدالت آن را در دو بعد عینی و ذهنی مورد توجه قرار می‌گیرد و ممکن است پنداشت مردم از وجود عدالت مطابق با واقعیت موجود نباشد. بعد ذهنی عدالت مبتنی بر پنداشت افراد از شرایط عینی جامعه است که از آن به عنوان «پنداشت از عدالت» یاد می‌شود. باتوجه به اینکه کنش‌های مردم متأثر از پنداشت‌های آنان است، لذا درک ذهنی عدالت به همان میزان وجود عدالت در جامعه اهمیت دارد؛ چراکه تحلیل وینپون (۲۰۰۵) از داده‌های جهانی نشاط نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی بر نشاط تأثیرگذار است و وجود عدالت سطح نشاط در یک جامعه را بهبود می‌بخشد. از طرف دیگر احساس بی‌عدالتی می‌تواند نظم سیاسی اجتماعی موجود را به چالش بکشد.

همچنین باتوجه به اینکه حاکمیت مجری تحقق عدالت تلقی می‌شود، چنانچه در یک جامعه پنداشت مناسبی از وضعیت عدالت وجود نداشته باشد، مشروعیت نظام حاکم با چالش مواجه خواهد شد. در شرایطی که نظام سیاسی حاکم در شعارهای خویش بر مقوله عدالت تأکید داشته باشد اما مردم پنداشت مطلوبی از وضعیت عدالت در جامعه نداشته باشند، شکل‌گیری تضاد و کشمکش در جامعه دور از ذهن نخواهد بود. از این رو مشروعیت نظام و حاکمیت زیر سؤال رفته، رابطه بین جامعه و نهادهای مدنی با حاکمیت مخدوش و می‌تواند منجر به تهی‌شدن جامعه و رفتارهای جمعی از ارزش‌های انسان و بی‌توجهی به منافع جمعی شود. در چنین شرایطی پیگیری شدید منابع فردی تبدیل به اصل راهنمای افراد شده و توجه به منفعت عمومی مرکزیتی در کنش‌های جمعی نخواهد داشت. بدین ترتیب جامعه می‌تواند وارد مرحله‌ای از آشفتگی اجتماعی شود.

به نظر می‌رسد وضعیت عدالت در ایران و پنداشت افراد از وجود آن تبدیل به امری مسئله‌ساز شده است. نظام سیاسی حاکم به اندازه کافی از موضوع «عدالت» هزینه کرده اما از نگاه مردم دستاورد آن در این زمینه چشمگیر

نیست. از این رو اعتماد چندانی به تحقق آن از سوی ساختار سیاسی کنونی ندارند. این استدلال را می‌توان بر مبنای پژوهش‌های انجام‌شده، موردبررسی و ارزیابی قرار داد. بنابراین سؤال نوشتار حاضر این است که امروز وضعیت عدالت و پنداشت ایرانیان از عدالت چگونه است؟ چه اثراتی بر جامعه دارد و راه‌های برون‌رفت از این وضعیت کدامند؟